

چه چیز مزه را به سوی اسلام جذب کرد؟

یعقوب ربیعو ندکه اخیراً در پاریس به
آئین اسلام مشرف شده است علل اسلام-
آوردن خود را چنین شرح میدهد:

به اختلاف اساسی بین مسیحیت و اسلام باعث شد از مسیحیت روی برگردانم و بسوی اسلام کشیده شوم.

۱- مسیحیت در بدو امر بوجود پیامبران الهی قبل از مسیح (ع) و پیامبری که بعد از مسیح (ع) خواهد آمد منترف بود. حضرت مسیح (ع) را هم یکی از مهربانان الهی و پیامبران خدا معرفی میکرد اما دیری نگذشت، امت نابخرد؛ برای اینکه مقامی بر مقامهای عیسی (ع) بیفزایند او را تا سرحد خدائی کشانیدند. و رسالت محمد (ص)

را نادیده گرفته بسترش ایمان نیاوردند. ولی پیامبر اسلام مقام ربوبی پروردگار جهان را از پیامبران برگزیده خدا، جدا نمود و اوصاف هر کدام را معرفی کرد و سرانجام پیامبر اسلام رسالت الهی را بطور کامل و جامع در اختیار بندگان خدا قرارداد.

۲- مسیحیت مردم را بسوی تعالیم خدائی دعوت می نماید که مسیح (ع) را سر خود میدانند (۱) درک این مسئله واقعاً مشکل است چون با تعالیم ابراهیم (ع) و موسی (ع) که مردم را بسوی

خدای یکتا می خواندند، ضدیت دارد. موضوعی که مسیحیت عنوان کرده است و عیسی (ع) را پسر خدا می داند این معنی را می رساند که خدا بین انبیاء تبعیض قائل است.

۳- من مسیحیت را هرگز نداد و مستند این خدا و انسان یافتم، چون یکی از وظائف کلیسا این است که افراد گناهکار و آناهانی را که مرتکب جرمی می شوند، ببشد و از آتش دوزخ نجاتشان دهد!

مسیحیت کثونی بر چنین پایه های استوار است، گویا خدای مسیحیت آزادی عمل ندارد. قابل توجه آنکه ارباب کلیسا دخالت در امور مربوط به خدا را موجه و معقول می دانند!

خوشبختانه اسلام آمد تا عقاید باطل و خرافی مسیحیت تیر می یابد و از آن جمله خدائی و همان کلیسا و سایر خدایان را محکوم کند. اسلام با تاکید هر چه بیشتر اعلام داشت: پروردگار تباری به ستمکاری شدگانش ندارد. بشر است که می آید و محتاج است. خدا برتر و بالاتر از این خرافات است او خالق مطلق و مولای حقیقی است، مولائی که جز او کسی شایستگی چنین مقامی ندارد.

یا خود می اندیشم، مسیحیت تا چه زمانی می تواند با این عقاید خرافی و مضحک دوام داشته باشد. و چطور احکامش را با دنیای روز تطبیق خواهد داد؟ بهترین شاهد همان کلیسا است که بسودت بنگاه ممالاتی در آمده است و پدران

روحانی بازارگانان آن هستند.

اما اسلام، خداوند متعال را از این دنیای مادی جدا می کند و اعلام می دارد، خدائی جز او نیست. حاکم مطلق خدا است.

کشش عجیبی که در جامعه اروپائی و آمریکائی بسوی مادیات و ماده وجود دارد، باعث شد از مسیحیت منزجر گردم.

آنقدر در مادیات غرقند که عالیترین مفاهیم انسانی را در منجلاط پستی فرو برده اند.

متأسفانه تنها هدف و ایده کشورهای اروپا و آمریکا پیشرفت در مسائل مادی است و کمتر توجهی به روح و روان انسان ندارند. در نظر آنان چیزی جز ماده ارزش ندارد.

در آن کشورها که مهد تمدن محسوب می شود، افراد همگی ب فکر پیشرفت و بالاتر تن سطح زندگی خود هستند برای روابط انسانی برادری و برابری کمترین ارزشی قائل نیستند.

کاخ مادیگری که در حقیقت کلورخی پیش نیست؛ هم اکنون بجای آن مفاهیم عالی انسانی، بر جهان قرن بیستم حکومت می کند. و این بزرگترین اشتباه بشر عصر حاضر است.

اما ایده اسلامی درست در نقطه مقابل این طرز فکر قرار دارد.

من با کمال صراحت به برادران اروپائی و آمریکائی اعلام می دارم که برای من تاریخ قدم گذاشته اند و پایان این راه سخت خطرناک است (۱)